

نقد نظریه نفی قدرت تسلیحاتی در ایجاد وحدت در جهان اسلام



در تاریخ ۱۴۰۲/۸/۲ شنبت و ششمین کرسی آزاداندیشی با عنوان «نقد نظریه نفی قدرت تسلیحاتی در ایجاد وحدت در جهان اسلام» در پژوهشگاه مطالعات تقریبی برگزار گردید. در این کرسی جناب آقای دکتر سید احمد سادات به عنوان ناقد نظریه و حجت الاسلام والمسلمین سلمان نگهبان به عنوان دبیر علمی و داور جلسه مشارکت نمودند.

به گزارش روابط عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، در این جلسه ناقد محترم پس از بررسی تاریخی دیدگاه‌های مشهور روابط بین الملل در دو قالب آرمانگرایی و واقعگرایی با تطبیق آن به تاریخ پانصد ساله اروپا و استعمارگری‌شان با محوریت فرانسه و انگلستان پرداخت و خاطر نشان کرد در سده‌های میانی با توجه به نفوذ این قدرتها جهان میان این دو ابرقدرت تقسیم شد؛ در این راستا انگلیس با توجه به حضور و نفوذی که در خاورمیانه داشت معاهده ساینسپیکو را به منطقه و کشورهای اسلامی تحمیل نمود و از آنجایی که این منطقه مورد توجه ادیان ابراهیمی بوده آن را هارتلند یا قلب جهان می‌دانستند. پس از تجزیه امپراطوری عثمانی انگلیس در صدد تجزیه کشورهای اسلامی به دو شیوه نرم و سخت پرداخت که شیوه نرم آن همان فرقه سازی درون دین و درون مذهبی بود. حاکمیت سیاسی کشورهای

اسلامی در این تقسیم بندی هرکدام به افراد یا خاندان هایی محول شد که روابطه حسنه ای با انگلستان داشتند و از طرف او حمایت می شدند.

در ادامه این استاد دانشگاه تهران مثال بارز این نوع خاندان ها را پادشاهی عربستان نام برد و به توضیح مختصری از تاریخچه و وضعیت عربستان پرداخت. دکتر سادات با اشاره به تاریخچه و تقابل دیرینه اعراب و مخصوصا فلسطینیان با اسرائیل به تبیین نظریه نفی قدرت تسلیحاتی و تاثیر آن بر وحدت جهان اسلام با وقوع عملیات طوفان الاقصی پرداخت و خاطر نشان کرد این عملیات در عمق استراتژیک خاک اسرائیل موجب تحیر غرب و آمریکا گردیده و سوال اساسی آنان این است که آیا ایران در این جنگ حضور مستقیم پیدا می کند ؟ تا امروز از بیش از ۴۰ کشور دنیا که تابعیت اسرائیلی نیز داشتند اسیر در دست حماس است و تا به اینجا پیروز قطعی عملیات طوفان الاقصی حماس و مردم فلسطین هستند.

مدیر سابق شبکه العالم در ادامه نقد نظریه مورد بحث به پیشرفت های نظامی ایران اشاره کردند که همین عامل قدرت بازدارندگی ایران شد و ایجاد محور مقاومت با مرکزیت ایران که ثمرات آن را این روزها بار دیگر شاهد هستیم علی رغم شرایط بحرانی منطقه همگرایی ملت های مسلمان را سبب شد و فشار افکار عمومی سردمداران کشورهای اسلامی و حتی غیر اسلامی را ناگزیر به محکوم کردن جنایات رژیم صهیونیستی کرد. در پایان به بعضی از سوالاتی که میهمانان حضوری و مجازی پیرامون بحث داشتند نیز پاسخ داده شد.

شرح کامل مباحث مطرح شده در این نشست

مقدمه :

ترویج صلح به جای جنگ و اعتقاد به ارزش های عدالت و همکاری برای دستیابی به وحدت در جهان اسلام بسیار حائز اهمیت است. به علاوه، اسلام تشویق به مقاومت در مقابل ستم و سرکوب نیز دارد و در شرایط خاصی این موضوع ممکن است به تضاد منجر شود. به طور کلی، هدف اصلی اسلام و همچنین بسیاری از دین ها و مذاهب، ترقی صلح، عدالت و همبستگی جهانی است.

تصمیم گیری های مالی و نظامی کشورها معمولاً به عوامل متعددی بستگی دارند و ممکن است متفاوت باشند. افزایش توان نظامی یک کشور ممکن است از دیدگاه های مختلف توجیه شود، از جمله تضمین امنیت ملی، تأثیر بر تعادل قدرت های منطقه ای، پیشگیری از تهدیدهای خارجی، پاسخ به نیازهای داخلی و تعیین سیاست های داخلی.

به عنوان یک کشور، ایران نیز اقدامات نظامی خود را به توجیه‌های مختلفی مبتنی بر منافع ملی و امنیتی پیگیری می‌کند. افزایش توان نظامی در برخی مواقع از دیدگاه مقامات ایران به عنوان ابزاری برای حفاظت از کشور در برابر تهدیدهای احتمالی یا به عنوان راهی برای تقویت نقش ایران در منطقه مورد تأیید قرار می‌گیرد.

اساساً قدرت نظامی به عنوان یکی از عناصر اساسی در سیاست بین‌الملل مورد توجه قرار دارد. شاخص‌های اصلی برای اندازه‌گیری قدرت نظامی کشورها، شامل اندازه نیروهای نظامی و بودجه دفاعی آنها هستند.

بسیاری از محققان و استراتژیست‌ها باور دارند که توانایی نظامی عامل نهایی در تعیین قدرت ملی است. زیرا کشورها به طور معمول در معرض تهدیدات داخلی و خارجی قرار دارند و باید امنیت خود را تضمین کنند. بنابراین، اثربخشی نیروهای نظامی آنها به عنوان معیار نهایی برای سنجش قدرت ملی مورد توجه قرار می‌گیرد. توانایی نظامی به کشورها این امکان را می‌دهد که در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی از خود دفاع نمایند.

به علاوه، این توانایی به کشورها این امکان را می‌دهد که منافع خود را در صحنه بین‌المللی پیگیری کنند، زیرا قدرت نظامی آنها را قادر به مقابله با تهاجم‌ها و تهدیدات می‌کند.

با این مقدمه وارد مبحث امنیت گرای می‌شویم.

امنیت گرای تاریخی بشر در بستر نظریه‌های روابط بین‌الملل (نظریه آرمان گرایی):

در تاریخ فلسفه، آرمان‌گرایی جایگاه ویژه‌ای دارد. در یونان باستان، افلاطون به عنوان اوّلین فیلسوفی بود که این مفهوم را مطرح کرد. وی اصطلاح ایده‌آلیسم را برای توصیف آرمان‌گرایی به کار برد و ایده‌آل‌ها را مفاهیمی خارج از واقعیت‌های حسی دانست که در واقع، از دید و لمس بشر خارج هستند و در جایی بیرون از دسترس انسان‌ها قرار دارند.

افلاطون در همین راستا نظریه مدینه فاضله را مطرح می‌کند و تا مدتها این نظریه، نظریه‌ای حاکم بود و البته بعد از جنگ جهانی اول آرمان‌گرایی و ایده‌آلیسم به صورت بسیار جدی تری مورد توجه قرار گرفت. با توجه به پیامدهای جنگ جهانی اول، ایده‌آلیسم به دنبال تشکیل سازمان‌های بین‌المللی، منشور ملل متحد در ساختار روابط بین‌الملل بود، تا بتواند از جنگ و حوادثی مانند آنچه در جنگ جهانی اول رخ داد جلوگیری نماید و این روال تا زمان جنگ دوم جهانی ادامه داشت.

نگاهی تاریخی به نظریه واقعگرایی در روابط بین الملل:

اما این نظریه نتوانست جلوی جنگ را بگیرد. با وجود ساختارهای بین المللی از جمله سازمان ملل متحد، نظریه پردازان آرمانگرایی را برای این منظور ناتوان یافتند و به واقع گرایی رسیدند.

واقع گرایی در واقع یکی از مکتب های نظریه روابط بین الملل است که سیاست های جهانی را به مبنای رقابت دولت ها برای تحقق منافع ملی خود تعریف می کند. این مکتب به عنوان یکی از مهم ترین و پایدارترین مکتب های نظریه روابط بین الملل محسوب می شود و معمولاً جذابیت این مکتب به دلیل تطابق آن با رفتار سیاست مداران و نیز درک متداول از سیاست بین الملل تلقی می شود.

گرچه واقع گرایی نیز تاریخی دیرینه دارد، اما نسخه رسمی آن در دوران پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفت. قبل از جنگ جهانی دوم، اندیشه واقع گرایی به دست ادوارد کار ارائه شد و مورگانتا این اندیشه را به عنوان یک الگوی علمی مطرح کرد. در دیدگاه واقع گرایی، قدرت به عنوان یک عامل زیربنایی در سیاست و شکل دهنده روابط بین الملل در نظر گرفته می شود.

واقع گرایی بر چهار گزاره مرکزی تمرکز دارد:

اول آن که نظام بین الملل به وضعیتی آنارشیک تابعیت دارد.

به عبارت دیگر، هیچ موجودیتی وجود ندارد که بتواند روابط دولت ها را تنظیم کند یا از بالا به آن ها دیکته کند. این نظام در وضعیت مداوم تناقض و رقابت قرار دارد.

دوم این که دولت ها به عنوان مهم ترین بازیگران نظام بین الملل هستند.

گزاره سوم می گوید تمامی دولت ها در نظام بین الملل بازیگران منطقی هستند.

این به این معناست که دولت ها تمایل دارند منافع ملی خود را تعقیب کنند و تصمیم گیری های خود را بر اساس اصل خودیاری اتخاذ کنند، و همچنین به تلاش برای به دست آوردن منابع بیشتر اکتفا ندارند.

گزاره چهارم این که نگرانی اساسی تمامی دولت ها حفظ بقا است و دولت ها برای حفظ بقا و امنیت خود نیروها و قابلیت های نظامی خود را تقویت می کنند. این مسأله ممکن است به ایجاد مفهوم امنیت منجر

بر همین اساس است که موازنه قدرت در عرصه نظریات هم رخ نمایی می کند. چرا که قدرت هر بازیگر تهدیدی برای دیگران است، تنها راهکار جلوگیری از تهدید دیگران ، کسب قدرت است.

نظریه موازنه قوا

نظریه موازنه قوا بر این اساس شکل گرفت و معتقد بود که کشورها بر اساس جلوگیری از تنازع به یکی از بلوک قدرت متمایل شوند. بر اساس همین دیدگاه پیمان های مهم جهانی مانند آتلانتیک شمالی در بلوک غرب و ورشو در بلوک شرق ایجاد شد. پس برای حفظ یک کشور و استمرار بقا لازم است که قدرت بازدارنده تولید شود و این تولید قدرت هم یا باید ذاتی باشد و یا این که در پی ائتلاف با قدرتمندان و ابرقدرتها پدید آید.

تقسیم تاریخی جهان بین دو ابرقدرت سده های میانی یعنی انگلیس و فرانسه:

از سده های ۱۶ و ۱۷ میلادی تا پایان قرن بیستم ، جهان بین دو ابرقدرت آن دوران یعنی انگلیس و فرانسه تقسیم شد. انگلیس با توجه به حضور و نفوذی که در خاورمیانه داشت معاهده ساینس پیکو را به منطقه و کشورهای اسلامی تحمیل می نماید. از آنجایی که این منطقه مورد توجه ادیان ابراهیمی بوده پس از رنسانس و مخصوصا قرن هجدهم مورد توجه ابر قدرت ها قرار داشته است. پس از تجزیه امپراطوری عثمانی انگلیس در صدد تجزیه کشورهای اسلامی بر می آید که به شکل سخت صورت می گیرد و به شکل نرم هم به فرقه سازی درون دینی و درون مذهبی اقدام می کند. حاکمیت سیاسی کشور های اسلامی در این تقسیم بندی هرکدام به افراد یا خاندان هایی محول شد که روابطه حسنه ای با انگلستان داشتند و از طرف آن حمایت می شدند.

نگاهی به ماهیت حکومت سیاسی عربستان به مثابه ایجاد تهدید مشترک

در راستای فرقه گرای درون دینی ، ایجاد وهابیت (که به وسیله محمد بن عبدالوهاب اندیشه های این تیمیه را اجرایی کرده) جزئی از پروژه نرم استعمار پیر بود . می توان در یک تقسیم بندی دوره های مختلف تحولات در عربستان را به سه دوره تقسیم نمود که هر دوره تقریبا بین ۷۰ تا ۷۵ سال بوده است که دوره سوم آن از سال ۱۹۳۰ آغاز و تاکنون ادامه دارد. حکومت پادشاهی عربستان بین دو خانواده یا قبیله آل سعود و آل شیخ تقسیم شده است. طبق اطلاعات غیر رسمی خاندان آل سعود بین ۶۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ و خاندان آل شیخ نیز بین ۵۰۰۰ تا ۸۰۰۰ نفر عضو دارند که همه اعضای این دو قبیله دارای مقرری ماهانه هستند. جالب اینجا است که بیش از ۷۰ درصد مردم عربستان مستاجر این دو طایفه مهم عربستان است.

عربستان سعودی در محوریت تعارض با انقلاب ایران و اسلام سیاسی قرار دارد بر همین اساس می بینیم که شورای همکاری خلیج فارس بعد از انقلاب اسلامی و به منظور مقابله با ایرات و صدور انقلاب و به حمایت از صدام شکل گرفت. در این راستا قابل توجه است که روابط کشورهای عربی با اسرائیل از زمان پیمان کمپ دیوید آغاز گردید و به صورت غیر علنی استمرار یافت و در حال حاضر شکل رسمی و علنی به خود گرفته است. رابطه عربستان سعودی با اسرائیل بزرگترین تهدید مشترک برای اسلام سیاسی و انقلابی است. اسلامی که سلطه پذیر نبوده و با ابرقدرتها تعارض منافع دارد.

نگاهی به تشکیل رژیم صهیونیستی و عملیات طوفان الاقصی :

در ادامه اقدامات استعمارپیر در منطقه و در پی انتقال یهودیان به این منطقه ، تصمیم گیری برای تأسیس یک کشور یهودی در این فلسطین صورت گرفت. در ۱۴ می سال ۱۹۴۸ یعنی یک روز قبل از پایان قیمومیت انگلیس بر فلسطین، اسرائیل اعلام موجودیت می کند. یک سال قبل از این حادثه با صدور قطعنامه ای فلسطین را تقسیم می کنند .

نکته جالب توجه اینجا است که ساکنان غاصب فلسطین در واقع از ملیتهای مختلف بوده و با یکدیگر هم تعارض شدید دارند به گونه ای که بسیاری از صاحب نظران معتقدند که اختلافات و درگیری های داخلی بین اسرائیلیها به خودی خود بزرگترین تهدید رای این رژیم به شمار می روند همان طور که تا پیش از عملیات طوفان الاقصی ما شاهد این اختلافات داخلی در بین آنها بودیم . در واقع شهرک نشینان صهیونیست ، مهاجرانی هستند که از اقصی نقاط جهان به فلسطین اشغالی آمدند و در آنجا ساکن گردیدند.

پس از عملیات طوفان الاقصی و وارد کردن بزرگترین ضربه بر پیکر رژیم صهیونیستی غریبها به صورت همه جانبه در پی حمایت از این رژیم برآمدند . رژیم صهیو نیستی نیز مجنون وار به بمباران مناطق مسکونی و مساجد و مدارس و بیمارستانها و اردوگاهها می پردازد . محور مقاومت هم بر اساس شرایط به صورت کاملاً هوشمند به حمایت از اهل غزه پرداخته است . در این میان تحیر غرب از محور مقاومت و ایران شدت گرفته که آیا حمله همه جانبه ای رخ می دهد یا خیر؟ سخنان دستگاه دیپلماسی و دبیر کل حزب الله لبنان مبنی بر این که اگر اسرائیل زمینی اقدام کند به مقابله خواهیم پرداخت نیز در چارچوب بازدارندگی دشمن رخ داده است.

شرایط جغرافیایی غزه:

غزه مساحتی بالغ بر ۳۶۵ کیلومتر مربع را شامل می شود؛ عرضی بالغ بر ۶ تا ۱۲ کیلومتر و طول آن حدود ۴۵ کیلومتر مربع است. از طرف غرب همسایه دریای مدیترانه و جنوب آن همسایه مصر است که منتهی

به مرز رفح می شود. وجود هزاران تونل در مرز رفح یکی از نمادهای قدرت بازدارندگی مقاومت است. اهداف اصلی این تونل‌ها عبور از مرزها و انجام عملیات نظامی و انتقال مواد غذایی و دارو ... به غزه است. تونل‌های حماس در داخل غزه و برای حمل و نقل مهمات نظامی، عبور مسلحانه از مرزهای اسرائیل و نقل و انتقال نیروهای نظامی به سایر مناطق غزه به کار می‌روند.

پاسخ به سوالات :

ماجرای داعش و سوریه:

سوریه در جنگ با داعش در واقع با تکفیریهایی از ۸۰ کشور جهان جنگید. سوریها از این نبرد به عنوان تهاجم جهانی بر علیه سوریه نام می‌برند. در حالی که دنیا در صدد سرنگونی حکومت بشار اسد بود و فقط ایران به تنهایی در مقابله با آنها به حمایت از سوریه پرداخت و به شکل نیابتی وارد جنگ شد. در این راستا نیروهای مستشاری ما به آموزش کوتاه مدت به شهروندان سوری از همه اقوام و مذاهب و ادیان پرداختند. با درایت مسئولان امر پای روسیه به نبرد سوریه باز شد و حمایت هوایی را برعهده گرفت. در بحبوحه جنگ روسیه دچار ناامیدی شد و خواست از حمایت سوریها دست بردارد که جمهوری اسلامی به روسیه اعلام کرد اگر شما خارج بشوید تازه ما وارد جنگ سوریه می‌شویم چرا که تا کنون مشارکت ما کلاً به صورت مستشاری بوده است.

سطح روابط ترکیه با اسرائیل:

ترکیه همواره به بهره برداری از شرایط فلسطین پرداخته است. این کشور با اسرائیل رابطه حسنه دارد. بیشترین روابط تجاری و سیاسی را با این رژیم دارد و در عین حال به صورت علنی به حمایت از حماس می‌پردازد و ترکیه در شعار و حرف با اسرائیل مخالف بوده و از حماس و مردم فلسطین حمایت می‌کند. بهترین سخن را شاید رمضان عبداً در این زمینه گفته باشد. رمضان عبداً دبیر کل فقید جهاد اسلامی معتقد بود جمهوری اسلامی سالها بر روی مسئله فلسطین سرمایه گذاری کرد اما ترکیه در زمان ماجرای کشتی مرمره خوسه چینی کرد و در طی دوهفته در دفاع از فلسطین به عنوان سردمدار حمایت از فلسطین خود را مطرح نمود. در شرایط کنونی هم در خبرها شنیدیم که ترکیه به اسماعیل هنیه اعلام کرده که باید خاک آن کشور را ترک کنند. در زمان بهبود رابطه با مصر و امارات هم دیدیم که اعضای اخوان المسلمین را از آن کشور اخراج کرد.

چرایی حمایت ایران از فلسطین:

تنها کشوری است که در منطقه بر اساس گفتمان وحدت به حمایت از آرمان فلسطین می‌پردازد علی‌رغم

روند عادی سازی روابط اعراب و اسرائیل ایران است این گفتمان شیعه است. حزب ا[لبنان نیز به عنوان حزبی شیعی ، یکی از اضلاع محور مقاومت بوده که با ۱۷ طایفه دیگر در لبنان روابط حسنه دارد. و با بسیاری از اهل سنت ، دروز و مسیحیان و ... هم پیمان است . این حزب کوچک با بهره گیری از جنگ نامتقارن و با جنگ روانی در سال ۲۰۰۰ توانست بر اسرائیل فائق آید . در سال ۲۰۰۶ در جنگ سی و سه روزه هم ، رزمندگان حزب ا[به زبان عبری برای موبایل سران رژیم پیامک تهدید می فرستادند و در حال حاضرهم غواصان حزب ا[در دریا منتظر فرمان سید حسن نصر ا[هستند.

پس وحدتی که شیعه پرچم دار آن است بدنبال وحدت بین شیعه و سنی صرفا نیست بلکه به دنبال وحدت مستضعفان است. در لبنان این محوریت سیاسی را بین سایر ادیان و طوایف با شیعه و حزب ا[می بینیم. در یمن نیز در سال ۱۳۸۳ تعداد مجاهدان یمنی زیر ۱۰هزار نفر بود ولی اکنون عملا عمده مناطق کشور یمن تحت سیطره فرهنگی ، سیاسی و نظامی انصارا[است . از جمعیت ۲۳ میلیون نفری حدود ۵ میلیون نفر جمعیت سادات داشته که اکثر آنان از سادات حسنی هستند . زیدیهای یمن در عین حال با اخوانی ها و اهل سنت ارتباطات وثیقی دارند و با یک روحیه جنگنده با بافت قبیله ای موفق به داشتن انواع سلاحهای راهبردی شده اند که تمامی این تحولات به مدد توانمندسازی آنان به وسیله جمهوری اسلامی است از جمله این که در حال حاضر یمن توانمندی تولید بومی موشک دور برد با برد بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر را داراست و توانایی موشک باران حیفا را دارد. حال با این وضعیت بهتر می[توان درک کرد که چرا آمریکا و اسرائیل نگران هستند و فقط به صورت محدود وارد غزه شده اند و از حمله تمام عیارزمینی به غزه در هراس هستند. زیرا کافی است خلیج عدن و تنگه باب المندب بسته شود.

پس نگاه ما به فلسطین نگاه صرفا مذهبی نیست همچنان که در بوسنی هم همینطور بود . (گرچه در بسیاری از مناطق فلسطین شیعیان هم هستند که تقیه می[کنند ولی گرایشات شیعی دارند.) در عراق نیز وضع به همین صورت است . حضور ایران در عراق موجب تشکیل حشد الشعبی شد و کار به جایی رسیده که همان حشد شعبی شیعی به کمک غزه سنی می[رود.

هیچگاه حزب ا[با وجود مسلح بودن بر علیه گروه[های مخالف از قبیل سنی و مسیحی وارد عمل نشد. جمهوری اسلامی ایران محور مقاومت از فلسطین تا یمن را ایجاد کرد و یا بذر نفاقی که استعمار در جهت انشقاق کشورهای اسلامی کاشته بود به مقابله پرداخت و امروز در عملیات طوفان الاقصی خود را نشان داد.

امکان ورو صهیونیستها به غزه:

اسرائیل در جنگ سی و سه روزه ادعای حذف حزب الله را مطرح کرد که با ریاست آریل شارون توانایی این کار را نداشت و درمورد غزه نیز همین گونه است مقاومت در غزه در حال حاضر ۴۰ هزار نیروی آماده ۶۰ هزار نیروی ذخیره دارد و از حضور میدانی ایران و مساعدت او بی نیاز است و توانایی ادامه جنگ تا یکسال آینده را داراست. حضور بایدن و دیگران در اسرائیل جهت روحیه بخشی به اسرائیل بوده زیرا شیرازه نیروهای اسراییلی از هم پاشیده تا جایی که بیش از ۲۰۰ تن از نیروی هوایی اسرائیل فرار کرده اند. با این حال احتمال نفوذ اسراییل تا چند کیلومتری و محدود در غزه وجود دارد از این رو تجهیزاتی را به شمال برای مقابله با کرانه باختری انتقال داده اند. و این نشان از قدرتمندی محور مقاومت دارد که ماحصل ائتلاف گروه های مسلمان و غیر مسلمان است.

عربستان و دیگر کشورهای عربی در شرایط کنونی:

عربستان همواره در پی ایجاد موازنه قدرت و تهدید در منطقه بوده است و در این خصوص به گسترش روابط سیاسی، نظامی و تسلیحاتی با کشورهای غربی به خصوص آمریکا همچنین روسیه و چین پرداخت. در همین راستا به تمایلات آمریکا و ترامپ در عادی سازی روابط با اسرائیل پاسخ مثبت داد و در راستای عادی سازی روابط قدمهای متعددی برداشت. در زمانی که انصارالله یمن تاسیسات آرامکو را مورد حمله قرار داد توقع سعودیها از آمریکا آن بود که بر علیه ما و حوثیها اقدام عملی کنند. ولی این اتفاق نیافتاد و آنها از این امر بسیار آشفته شدند. از آنجا که سعودیها در پی ایجاد امنیت برای پیشبرد اهداف توسعه اقتصادی خود است علیرغم میل باطنی خود وارد رابطه با ایران شد. در خصوص رابطه با اسرانیل هم باید گفت که ارتباطات نهان و آشکار عربستان از دیر باز تاکنون با اسرائیل وجود داشته و همواره به دنبال ایجاد شرایط مناسب برای عادی سازی روابط می باشند. در خصوص حماس و اخوان المسلمین هم موضع سعودیها کاملاً روشن است. آنها خواستار سرکوب جنبشهای اسلامی بوده و به صورت نهان و آشکار از هیچ کوششی فروگذار نمی کنند.

